



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



اول اپریل ۲۰۲۶

خلیل الله معروفی

پرواز "کبوتران صلح" بر فراز "میدان آزادی"

یا للعجب، که جهان پر از عجائب و غرائب است و ما بی خبر از دنیا:

هیچکس باور نمیکند، که «پایان شب سیه سپید نباشد»؛ و هیچکس باور نمیکند، که «از خانه هندو قرآن برآید»؛ و برعکس همگان قبول دارند، که «زمین سخت است و آسمان دور»؛ و نیز یقین دارند، که «کوزه نو، او خُتک» و هذالقیاس و هذالقیاس؛ و اگر قبول ندارید سطور آتی را از نظر مبارکتان بگذرانید:

۱ - هیچکس باور نمیکرد، که در "میدان آزادی"، که بزرگترین میدان شهر تهران است، لوحه صلح را نصب کنند، که در آن با خط خوشنمای نسخ تعلیق چنین نوشته شده است:

درین چهل و هفت سال شعار "مرگ بر آمریکا" را میلیونها بار سردادیم و نوشتیم و خواندیم و شنیدیم؛ دیگر بس است و واقعاً دگر بس است؛ چون اینک، که بین "جمهوری اسلامی ایران" و "ایالات متحده آمریکا" پیمان صلح و دوستی و صمیمیت امضاء شده است، با آواز بلند میگوئیم:

مستحکم باد اتحاد "ایران - آمریکا"

پاینده و تابنده باد صلح در جهان

۲ - مردم عوام کابلی همیشه گفته اند و همیگویند، که:

«دیوانه در کار خود هُشیار است!!!»

هیچکس و واقعاً هم هیچکس باور نمیکرد، که رئیس جمهور آمریکا - "دانلد جان ترمپ" - که بعد از تهاجم بی‌امان بر "جمهوری اسلامی ایران" و قتل عام سرکردگان آن سامان، در فردای صلح از دیوانگیها دست بردارد و با جدیت تام تصمیم بگیرد، تا در متروپول "نیویارک" - و به گمان اغلب در مرکز "سنترال پارک" - به سرمایه شخصی خود رئیس جمهور، مسجدی بیحد باشکوه و مجلل به رنگ سبز بسازند و نامش را "مسجد امام علی خامنه‌ئی" بگذارند. قرار است، که این مسجد جامع در اسرع وقت و قبل از ختم دوره دوم ریاست جمهوری "دانلد ترمپ"، به بهره برداری سپرده شود؛ و بسیار جالب و باورنکردنیست، که مقَرّر و مقَدّر گشته است تا اولین "نماز جمعه" را به امامت بناروال فعال و مسلمان نیویارک؛ یعنی «رُهران ممدانی» برگزار کنند.

۳ - هیچکس باور نمیکرد، که از "فرهنگستان زبان و ادب فارسی"، جرقة "انقلاب تجدید نظر" بجهد و بر تصویبات مزخرف و مبتذل قدیم و جدید "فرهنگستان" یکسره خط بطلان بکشند؛ مثلاً:

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خبر و لولئ

در شرح کلمه چَتلِ سِنِگِه "پهپاد" همیشه میگفتند و مینوشتند، که "پهپاد" مخفف «پرنده هدایت پذیر از دور» است. حالا مگر تعدادی از لغتسازان "روشنبین و واقعیتگر" از خواب سطحینگری بیدار گشته و به سر عقل آمده اند، تا ازین به بعد "خیال پلو" نپزند و به شکل کاملاً "سمبولیک" و "نمونه‌وار" کلمه "پهپاد" را دیگر هرگز و هرگز و هرگز بر زبان نرانند، بلکه در عوض از لغت جهانی و عالمگیر "درون" استفاده کنند؛ باشد، که از یک طرف هم با جهان و جهانیان هم‌نوا باشند و هم حقّ مسلم «موجد و مخترع "درون"» اداء گردد. و از طرف دیگر به زبان حال و قال بگویند، که در زبان دری/فارسی کلماتی چون "درنده و خزنده و گزنده و چرنده و دونده و پرنده و غیرهم" معمولاً برای جانوران یا جانداران به کار می‌روند؛ و "درون" نه جانور است و نه جاندار!!!

۴ - در قاده‌های کوهستان شمالغرب "تهران" زیارتی‌ست بس منزّه و باصفا به نام "امامزاده داوود"، که زیارتگاه خاص و عام است؛ و جُمُعات خَلایق جهت تفریح و تفرج هم بدانجا همیروند. گویی این بقعه هم زیارتگاه است و هم تفریحگاه. گویند، که "امامزاده داوود" از احفاد حضرت امام حسن مجتبی(ع) بوده است، که دقیقاً در همین نقطه جام شهادت را نوشیده بود. در حاشیة این زیارت رستورانی مفشّن و دل‌باز ساخته اند به نام "رستوران گل مولا"، که واقعاً و بدون مبالغه، بقعه ای ست قابل دیدن. مالک رستوران، که اخیراً سفری به حضرت بزرگوار "کابل" داشته و از بازار مشهور "کاهفروشی" دیدنها کرده و از خوردن "چاینکی" هرگز سیر نمیشده است، تعداد قابل وقعی از "چاینکهای پتره‌ئی" را با خود آورده و ازان به بعد، به جای "آبگوشت دیزی" معمول ایران، "شوروی چاینکی" همپزد. بر طاق جبین منیوی رستوران این جمله را به خط جلیّ نوشته اند:

«به اطلاع مشتریان گرانقدر میرسانیم، که ازین به بعد "دیزی" نمیپزیم و در عوض "چاینکی"

عرضه همیداریم، که از سر و صورتش مزه میبارد؛ یکبار امتحان شرط است!!!»

۵ - هیچکس باور نمیکرد، که زنان آزاده و بی حجاب تهرانی، در "میدان ولیعصر"، که در قلب بزرگشهر "تهران" قرار دارد، تجمعی باشکوه برپا دارند، که ضمن آن؛ آری، که ضمن آن صدها چادری "فولادی‌رنگ" را در نوک خاده‌ها بالا کرده و به زنان آنجائی نشان بدهند، که در کشور همجوارشان؛ یعنی در "افغانستان"، زنان مظلوم از چنین یک حجاب و پوشش خریطه‌مانند "سرتاپا ملفوف" استفاده همیکنند. در قلب میدان لوحه بزرگی را نصب کرده اند، که در آن به خط قشنگ و مشقی نوشته شده:

«برخلاف شایع، "زنان" نصف جامعه و اجتماع را تشکیل نمیدهند، بلکه کلّ جامعه و اجتماع را میسازند. و جهت توضیح و تشریح و استدلال نوشته اند: به حساب شمار و آمار و احصائیه و به صورت بالفعل، "زنان" واقعاً در حدود نصف هر اجتماع را تشکیل میدهند؛ و آن نصف دیگر:

و آن نصف دیگر - بلی؛ آن نصف دیگر - که متشکل از "مردان" است، هم یکسره دستپروده زنان هستند. بدین حساب و به حساب [بالقوه + بالفعل]، هر جامعه و هر اجتماع و هر کتله بشری، کلاً و سرتاپای متشکل است از "زنان"!!! و ای به حال کشوری، که زنان را محروم و خانه‌نشین همیدارند، که در واقعیت امر "کلّ جامعه" - بلی؛ "کل جامعه" - را محروم و دربند غل و زنجیر داشته اند!!!

سخنان جالب و قابل گفتن و ناقابل باور واقعاً بسیار زیاد و مختلف‌النوع است، مگر مابقی را میگذاریم برای سال آینده در همین روز - اگر حیات باقی بود!!!

(شوځک مزاقی - اقتباس از "آژانس اول اپریل")

د پاڼو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ